« بسمه تعالی »

« مظالم »

۱. حقوق مظالم پنج قسم است که عبارتند از:

۱- یاری کردن مظلوم که به آن ظلم (مالی، بدنی، عرضی، ...) شده است.

۲- شکرگذاری از صاحب احسانی که به شما نیکی می کند و نباید کفران کرد.

۳- پذیرفتن عذر از شخصی که به شما بدی کرده و بعد پشیمان شده است.

۴- پوشاندن عیب برادر مؤمن و خیانت نکردن به اسرار آنها.

۵- اگر کسی سؤال کرد حق سائل برگردان است باید حتی الامکان نیاز وی را برآورده کرد.

۲- نکات اخلاقی

■ حتی الامکان نباید سؤال کرد و باید از سؤالات اضافی خودداری کرد مثلاً در راه به دوست برخوردی نباید بپرسیم که از کجا می آیی و یا به کجا می روی و.... شاید او مایل نباشد که جواب دهد.

■ سؤال سائل اگر نسبت به معیشت لازم و ضروری باشد در اینصورت کمک کردن واجب است. مثلاً شخصی به شما بگوید که امشب خانواده ام از گرسنگی به زحمت افتاده اند، باید آنچه که می توانی کمک کنی.

۲۶

۳- حکایتی در مورد «ایثار»

ایثار یعنی اختیار غیر بر خود با اینکه مورد لزومت می باشد و سخت به آن احتیاج داری ولی ایثار می کنی و به کسی که محتاج است می دهی. در اینجا به نمونه ای از ایثار عالم بزرگوار «مقدس اردبیلی» ذکر می کنیم: آن بزرگوار عمامه سفید و بزرگی بر سرشان بود و موقع رفتن به جلسه درس بود که یکنفر بوی می رسد و می گوید که من پیراهن ندارم. مقدس هم که او را عریان می بیند ولی خودش هم پیراهن متعددی نداشت از اینرو عمامه اش را باز کرد و به اندازه ای که احتیاج بود پاره کرد و به او داد. بار دیگر

زنی در راه به او می رسد و از وی چادر می خواهد و مقدس اردبیلی، عمامه را آنجا به او می دهد.
راستی چقدر باید از خدا پوزش بطلبیم که آنطوریکه سزاوار ایثار و گذشت است در عمرمان از خودمان یکبار سراغ نداریم.

٤- حکایتی دیگر از مقدس اردبیلی (ره):

در سالی که قحطی در نجف اشرف واقع شد در منزل مقدس اردبیلی آرد فراوانی بود لذا وی اعلام کرد که ای مردم بدانید که در خانهٔ ما آرد موجود است هرکس احتیاج دارد روزانه باندازهٔ معیشتش ببرد. مردم هم می آمدند و می بردند تا روزیکه دیگر چیزی باقی نماند و خانوادهٔ مقدس باو اعتراض کردند که این چه کاری بود کردید که الان همه بفکر ذخیره است و شما عوض ذخیره به مردم دادید. مقدس فرموده بود که من از خدای خود حیاء می کنم که در خانه ام گندم موجود باشد و مسلمانی از گرسنگی ناله کند.

بالاخره مقدس از نجف به کوفه رفت و در مسجد کوفه معتکف گردید بهتر آنست که به خانه خدای خود پناهنده شود. اعتکاف که کمتر از سه روز هم نمی شود، پس از سه روز قصد کرد بخانه برود واحوالی از خانواده اش بپرسد، تا وارد خانه شد همه را خوشحال دید، همسرش گفت این آردی که فرستادید چقدر خوب بود تا کنون بااین مرغوبی ندیده بودیم. اردبیلی فرمود: کدام آرد؟ زن گفت مگر نه دیروز سه بار آرد درب منزل فرستادید یکنفر آورد برایمان کی داده گفت آقای اردبیلی فرستاده است و ایشان در مسجد کوفه معتکف هستند و سالم و سلامت می باشند نگرانش نباشید.

۲۷

اردبیلی سر بخاک گذاشت و پروردگارش را سپاسگزاری نمود.

- حکایتی از ایثار سالار شهیدان امام حُسین (ع)

یکنفر اعرابی که گرفتار قرض و سختی فقر شده بود به در امام حسین (ع) می آید و تقاضای کمک می کند، آقا از پشت در برای اینکه اعرابی خجالت نکشد و شرمنده نباشد، چهار هزار دینار به او می دهد و نیز از او معذرت هم می خواهد (انّی الیکَ مُعتَذِر)

اعرابی گریه کرد. حضرت فرمود چرا گریه می کنی؟ گفت: حیف این دست که زیر خاک برود!

اعرابی خبر نداشت که بگوید حیف این دست که گرفتار ظلم ساربان شود.

« السلام علی الاصبع المقطوع » ای انگشتری انگشت تو از بند جدا شد...

— « السلام علیک یا ابا عبدالله » —

۴۸

۶- حدیثی از رسول اکرم (ص) در مورد حقوق

در جلد ۳ بحار نقل شده که روزی رسول اکرم (ص) روی منبر فرمودند: مُفلس از امّت من کیست؟

گفتند: کسی که درهم و دینار ندارد. حضرت فرمودند: مفلس امّت من کسی است که وارد محشر می شود

در این حال صاحبان حقوق اطرافش را می گیرند و مطالبه حقوق خودشان را می کنند که فلان جا فلان مقدار مال مرا بردی قرض گرفتی و پس ندادی، کم فروختی، ... صاحبان حقوق عرضی هم می آیند در فلان مجلس آبروی مرا بردی، راز مرا فاش کردی، غیبت مرا کردی، بمن بی حرمتی کردی ... و بالاخره فریاد از حقوق بدنی: فلان وقت بمن سیلی زدی، اذیت کردی و... خدایا! وقتی ذوی الحقوق اطراف مرا بگیرند بنا بر آنچه بما رسیده اگر بنا باشد حسنات به آنها داده شود و اگر کم بیاید باید از گناهان آنها برداریم، چه کنیم؟ راه چاره فقط لطف توست!

۷ـ حقوق اولاد بر گردن والدین

حقوق اولاد بر گردن والدین بسیار سنگین است و در جامعهٔ کنونی، کمتر پدر و مادری می‌توان یافت که این حقوق را کاملاً ادا کنند. اگر دختر بعد از نه سالگی و پسر پس از ۱۵ سالگی نماز نخواند مقصر پدر و مادر هستند که آنها را مقید به انجام تکلیف الهی نکرده‌اند و فردا هم همهٔ بچه‌ها تارک الصلوٰة بار می‌آیند. وای بر پدر و مادرهائی که فردای قیامت فرزندانشان دامنشان را بگیرند و مطالبهٔ حقوقشان را نمایند. لذا در قرآن مجید و در سورهٔ عبس آیه ۳۴-۳۶ خداوند می‌فرماید.

«یَوْمَ یَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِیهِ ۝ وَأُمِّهِ وَأَبِیهِ ۝ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِیهِ»

روزیکه شخص فرار می‌کند از برادرش و از پدر و مادرش و همسر و فرزندانش که بخاطر مطالبهٔ حقوق آنهاست وگرنه چگونه شخص از اولاد یا والدین خودش بگریزد، می‌ترسد که الآن پسرش بگوید چرا مرا بدبخت کردی؟

۸ـ حق همسایه از حقوق هر انسان

روایات فراوانی در خصوص اهمیت حق همسایه ـ چه مسلمان و چه کافر ـ موجود است. در وصیت امیرالمومنین (ع) در روز بیستم ماه مبارک رمضان آنحضرت اینطور می‌فرماید بنابر آنچه در نهج البلاغه است که: (اللهَ، اللهَ، فِی الْجار) «شما را سفارش می‌کنم برعایت حق همسایه بدرستی که رسول اکرم (ص) آنقدر به ما سفارش رعایت حق همسایه را فرمود تا ما گمان کردیم که همسایه از همسایه ارث می‌برد».

مستحب است هنگامی که شخص احساس می‌کند مرگش نزدیک است از همسایه‌ها و هم‌صحبتی‌ها و همسفرهایش حلالبودی بطلبد.

۲۹

۹- حکایتی در مورد نقش مهم پدر و مادر در نجات فرزند

پیرمردی محترم از اهالی لار بود که چه زمستان و شبهای طولانی و چه تابستان و شبهای کوتاه، از دو ساعت مانده به اذان صبح بیدار و مشغول تهجّد بود. می گفت بقسمی عادت کرده ام که اگر تا نیمه شب هم بیدار باشم باز سر موعد بیدار می شوم و علتش اینست که در کودکی پدرم مقیّد بود وقت سحر مرا بیدار می کرد و وامیداشت وضو بگیرم و با خودش مرا به مسجد می برد و نماز شب را خودش می-خواند و یاد من هم می داد و این موضوع برای من عادت شده است.

۱۰- نکته اخلاقی در مورد تربیت فرزند

بر پدر و مادر واجب است که از همان کودکی از فرزندشان جلوگیری کنند تا گناهان فسادآور را مرتکب نشود. مثلاً دروغ و غیبت و تهمت، در صورت مشاهده از فرزند، باید با روی خوش و توضیح قبح و زشتی عمل وی را وادار کرد تا از تکرار چنین کارهایی خودداری کند و نباید در صورت دیدن گناه از طرف فرزند بروی او خندید و یا تشویق کرد. اگر این چنین نشد، ترس از گناه نزد او از بین می رود و کم کم در کامش شیرین می شود و چون مؤدب به آداب دیده نشده است، پس بار می شود و دیگر مشکل بنظر می رسد که براه راست هدایت شود.

۱۱- حق واجب پدر و مادر بر فرزند

از جمله حقوق والدین، ادب و احترام نسبت به آنها است. وای بر اولادی که با تندی به مادرش نگاه کرد. تا خشم به پدر و مادر کرد، نمازش قبول نیست تا چه رسد به اینکه بزبانش حرف تندی بزند که در قرآن هم می فرماید که هر کس به والدین خود، اُفّ، بگوید بوی بهشت را استشمام نمی کند.
ضمناً از چیزهایی که موجب فقر می شود نفرین به اولاد است که باید پدر و مادرها رعایت کنند.

۱۲ـ شَلْ شدن زمخشری بخاطر نفرین مادر

گویند زمخشری صاحب تفسیر کشاف ملقب به جارُ الله، یک پا نداشت. از خودش نقل شده است که علتش نفرین مادرم بوده است بدین ترتیب که در کودکی پای گنجشکی را در لانه اش گرفتم و بیرون کشیدم، گنجشک مقاومت کرد تا بالاخره پایش در دست من کنده شد، مادرم دید و ناراحت شد و گفت الهی پایت بریده شود!

۱۳ـ نکات اخلاقی در مورد رعایت حق همسایه

- نگاه کردن از در یا سوراخ دیوار همسایه حرام است و نباید به امور داخلی آنها سرک کشید.
- اگر خوراک و طعامی که با صطلاح بوی آن بلند می شود بپزد مخصوصاً اگر همسایه بچه های کوچک داشته باشد باید ملاحظه کند یا به آنها هم بدهد یا از پختن آن خودداری کند. و مخصوصاً نسبت به همسایهٔ فقیر که تمکن تهیه این قبیل خوراکیها را نداشته باشد.
- و نیز نباید همسایه را آزار داد بطور مثال ناودان خانه را در خانهٔ همسایه قرار نباید داد یا آشغالها را درب منزل همسایه نریخت.

۳۱

۱۴ـ داستانی در مورد آزار شریک یا همسایه

یکی از مسلمانان به نام «سمرة بن جندب» درخت نخلی در خانهٔ یکی از انصار داشت یعنی خانه مال انصاری بود ولی در گوشهٔ آن درخت سمرة بن جندب بود. این شخص مردی باکی بود و از آداب معاشرت و اخلاق اسلامی بی بهره بود و هر وقت می خواست، برای سرکشی درختش بدون اذن و اطلاع و سرزده وارد می شد. مرد انصاری ناراحت می شد تا اینکه به او گفت: هر چند تو حق عبور داری اما از تو تقاضا می کنم قبل از ورود خبر کن تا همسرم وقتی سرش برهنه است، سرش را بپوشاند

سمرة در اینجا قلدری کرد و گفت : درختم در اینجا هست، حقّ عبور دارم و دلم نمی خواهد اجازه بگیرم!
بیچاره انصاری به رسول خدا شکایت وی را کرد و جریان را گفت. حضرت کسی را فرستاد دنبال سمرة تا به او بگوید که شریکت شکایت می کند و من از تو خواهش می کنم وقتی برای سرکشی درخت می روی بدون اذن داخل مشو و خبر بده.
امّا این بی حیا در مقابل درخواست پیامبر (ص) نیز مقاومت کرد و همان حرفها را زد.
رسول اکرم (ص) فرمود: پس برای اینکه این انصاری راحت شود درخت نخل را بفروش. او قبول نکرد. فرمود قیمتش دو برابر می شود. قبول نکرد. فرمود سه و چهار برابر ولی او باز قبول نکرد.
حضرت فرمود پس بیا و جنس با جنس معامله کن این نخل را بفروش در برابر یک نخل دیگر در جای دیگر، قبول نکرد. فرمود در برابر دو نخل، سه نخل، چهار نخل، باز قبول نکرد حتی در برابر ده نخل نیز قبول نکرد.
لجبازی را به نهایت رساند. مصداق آیهٔ قرآن «قلوبهم کالحجارة او أشدّ قسوة» که دلشان از سنگ هم سخت تر است. که چاره ای جز آتش جهنّم نمی تواند باشد برای چنین سماجت و سرسختی در مقابل رسول اکرم (ص).
۳۲
حضرت رسول اکرم فرمود پس بیا معاملهٔ دیگری کن فانی به باقی یعنی نخلت را به من بفروش در برابر نخلی از نخلهای بهشت که از بین رفتنی نیست. سمرة با سرسختی بسیار باز هم قبول نکرد و معلوم شد غرضی جز سماجت ندارد. رسول اکرم فرمود «لا اراک الّا مضاراً» من ترا جز ضرر زننده نمی بینم.
و بنابراین چون در اسلام زیان رساندن حرام است حضرت امر کرد فوراً نخلش را بکنند و جلویش اندازند. کسی که با همسایه و شریکش اینگونه بی رحم باشد چاره ای جز این ندارد و آن هم بدلیل-

فقدان ایمان می باشد.
و عاقبت هم این بدبخت بواسطهٔ حرص و بخلش پس از رحلت پیامبر (ص) از جمله دشمنان علی (ع) گردید و چون دید حلوا نزد معاویه است به شام رفت. روزی معاویه گفت یکصد هزار درهم بتو می دهم که دروغی دربارهٔ علی (ع) بگویی، روی منبر بروی و بگویی که آیهٔ «و من النّاس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله» (از مردمان کسی است که جانش را در راه بدست آوردن خشنودیهای خداوند می دهند - بقره ۲۰۷) که این آیه دربارهٔ علی (ع) در لیلة المبیت که ایشان درجای پیامبر خوابیدند و پیامبر هجرت فرمود نازل شده است، بلکه دربارهٔ قاتل علی (ع) یعنی ابن ملجم مرادی نازل شده است. سمرة گفت ای معاویه حقیقتش اینستکه دروغ بزرگ و مهمی است و قیمتش خیلی بیش از این است یکصد هزار نمی ارزد. معاویه دو برابر کرد بازچانه زد و بالاخره در ٤ هزار درهم معامله تمام شد. او پول را گرفت و با کمال وقاحت و بی شرمی بر منبر مسجد اموی شام برروی منبر رفت و گفت ای مردم خودم بگوش خود شنیدم که این آیه درشأن قاتل علی (ع) نازل شده است. و در اینجا یکنفر هم پیدا نشد که با او اعتراض کند.
کسیکه از اوّل عمرش اینقدر حریص و بخیل باشد سزاوار هرگونه عقوبتی می باشد. رسول خدا (ص) دربارهٔ اش فرمود که - عاقبت به آتش دنیا می سوزد و می میرد - و چنین هم شد که روزی درخانه آب درداخل دیگ می جوشید و این بدبخت از پشت سر ناگهان در دیگ افتاد و پخت و مرد.
۱۵ - کلامی از امیر مؤمنان (ع) در مورد رعایت حقوق دیگران ۳۳
حضرت مولای متقیان علی (ع) می فرمایند: «اجْعَلْ نَفْسَکَ مِیزاناً بَیْنَکَ وَ بَیْنَ غَیْرِکَ».
یعنی خودت را میزان میان خود و دیگران قرار بده. کسی هم که بخواهد حقوق دیگران را رعایت کند

باید این جمله را الگو قرار دهد. اگر در پشت سرت عیبت را بگویند، ناراحت می شوی پس خودت هم پشت سر کسی عیب نگذار. بقول شاعر معروف سعدی شیرازی که گفته:

ببری مال مسلمان و چو مالت ببرند

بانگ و فریاد برآری که مسلمانی نیست

ای کسانیکه می خواهید خدا به شما رحم کند، آیا خودتان رحم دارید؟ اگر کسی تقاضای کمک خواست به او کمک می کنید؟...

۱۶ـ حدیثی در مورد «صراط»

اگر کسی از عهدهٔ اداء حقوق برنیاید و با این حال مرگ وی فرا رسد چنین شخصی در عقبه مظالم در قیامت و بر روی صراط گرفتار خواهد بود. برای اینکه صراط را بشناسیم سراغ یکی از احادیث نبوی می رویم:

روایت است از پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) که فرمودند: «قیامت که برپا می شود جهنم را رو به صحرای محشر می کشانند[1]، هزار مهار دارد و هر مهاری بدست یکصد هزار ملائکهٔ غلاظ و شداد است، هنگامیکه آنها می کشند شعله ای از جهنم بلند می شود و اطراف خلائق را می گیرد. جهنم را که آوردند پلی روی آن می گذارند که خلق باید از روی آن رد شوند تا به بهشت برسند.»

از این حدیث می فهمیم که برای رسیدن به بهشت باید همهٔ خلائق از روی پلی بنام صراط بگذرند و این گذشتن بنا به روایت از اهل بیت (ع)، بگونه تفاوت و یکسان نیست و هر کس به مقدار نور عقائد و اعمال صالحه و مقدار

---

[1] «وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ ....» (سوره مبارکه فجر ـ ۲۳)

محبتی که به خدا و پیامبر و خاندان عصمتش دارد از روی صراط می گذرد.
در صراط نور خاصی نیست بلکه تاریکی می باشد و آفتاب یا ماههایی در کار نیست. در آن روز، نور فقط نور محمد (ص) و اهل بیت اطهار او می باشد یعنی در روزهای سختی که پیش روست فقط نور ولایت ایشان بدرد می خورد هر کس چنین نوری داشته باشد، نور اعمال صالح چون نماز و روزه، نور تلاوت قرآن و ذکر خدا، نور اخلاص و تقوی از هر طرف نور افشانی می کند، از پیش و از دو طرف روشنایی می بخشد[1]. و بستگی دارد به اینکه شخص چه مقدار نور تحصیل کرده است یکنفر نورش باندازه چشم کار کردن است دیگری یک فرسخ و سومی باندازه اینکه جلو پایش را ببیند و مرد دیگری هم باندازه ای نورش کم است که تنها انگشت ابهام او نور می دهد و افتان و خیزان است.
آری. نور وضو و غسل و عبادت هم می باشد و از تمام اعضاء و جوارح ظاهر می شود بشرطی که ظلمت گناه جلو نور افشانیش نشود. این راه سه هزار ساله صراط را نمی توان بدون نور طی کرد...

۱۷ـ صراط دارای شعور می باشد

جمیع موجودات عالم آخرت دارای حس و شعور می باشند و با عالم دنیا فرق دارد. زمین قیامت شعور دارد و نیز صراط حس و شعور و فهم و ادراک دارد، هر کس بر صراط قدم می گذارد اگر مؤمن باشد زیر پایش صاف و خنک و پهن می شود و صراط شاد می شود اما هرگاه کافر یا گنهکار پا روی آن بگذارد صراط می لرزد تا بحدی می رسد که از مو باریکتر و از شمشیر برنده تر می شود و از شب تاریکتر می گردد تا اینکه شخص را بکام آتش فرو می برد. و بدینگونه فهمیده می شود که عالم آخرت یکپارچه حیات است (طبق آیه ۶۴ سوره عنکبوت[2]).

۲۵

۱ـ یَوْمَ تَرَی الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ یَسْعَیٰ نُورُهُمْ بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَبِأَیْمَانِهِمْ «حدید ـ ۱۲».
۲ـ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَیَوَانُ لَوْ کَانُوا یَعْلَمُونَ.

۱- مُوقف و عُقبات صراط

با استناد از روایات و احادیث می توان گفت که بر روی صراط از حیث اعمال و نه عقائد اصلی، مواقف و عقباتی وجود دارند که هر شخصی بنا به مقدار عملش در دنیا باید در این موقفها جوابگو باشد. حال به مناسبت بحث در مورد سه عقبه صراط صحبت می رانیم:

۱۹- موقف اوّل در مورد امانتداری و صلهٔ رحم

از حیث اعمال نخستین عقبه، در مورد امانت و صلهٔ رحم است. اگر کسی در عمرش خیانتی کرده باشد و امانتی را به صاحبش رد نکرده باشد و در اداء امانت مُسامحه کرده باشد هر چند کارهای دیگرش درست باشد ولی اینجا گرفتار است. خیانت حرام است و حتی به کافر هم نباید خیانت کرد. یکی از امامان معصوم (ع) می فرمایند: «حتّی اگر آن شمشیری که با آن جدم را کشتند به من امانت دهند آنرا باز پس می دهیم و در آن خیانت نمی کنیم». امانتداری منحصر به امور مالی نیست و گاهی کلام هم امانت می شود اگر کسی به شما رازی می گوید این راز نزد شما امانت است و نباید به آن خیانت و فاش کرد. «المجالسُ بالامانة».

و نیز صلهٔ رحم هم از وظائف هر مسلمانی می باشد و باید رعایت حال پدر و مادر و اولاد و برادران و خواهران و اعمام و اخوال (عمو، عمه، دایی، خاله) و فرزندانشان و سپس دیگر اهل قرابت را کرد و باید به ملاقات و حل مشکلات آنها اقدام کرد.

۲۶

۲۰- موقف نماز و سایر واجبات دینی

در عقبه دوّم از نماز پرسیده می شود و اگر کسی تارکُ الصلوة باشد حتّی شفاعت اهل بیت اطهار (ع) هم به او نخواهد رسید. روایت مشهور حضرت امام صادق (علیه السلام) که در بستر بیماری در آخرین لحظات عمر مبارکشان به خاندان و بستگان خود فرمودند که شفاعت ما اهل بیت به کسی که نماز را سبک بشمارد نمیرسد

←

بیانگر این مهم است که حتی خفیف شمردن نماز هم باعث قطع شفاعت ائمه اطهار نسبت به انسان می شود تا چه رسد به ترک عمدی آن یعوذ بالله»

و بعد از نماز از سایر واجبات شرع مقدس می پرسند: روزه، حج، جهاد، زکوة، خمس، ...

۲۱- عقبهٔ آخر در مورد «مظالم»

موقف و عقبهٔ آخر که مورد بحث ما می باشد «مظالم عباد» می باشد. در این جا کسی نمی تواند ردّ شود مگر آنکه حق بگردنش نباشد. اگر کوچکترین حق برگردن شخص باشد می ماند آنقدر بر روی صراط می لرزد تا می افتد و این هم به معنی بلعیده شدن در آتش دوزخ می باشد و آتش جهنم که فهم و شعور دارد نعره می زند و از روی خشم فریاد می زند. و تا کسی افتاد جاذبهٔ آتش او را پائین می کشاند و هیچ قوه ای نمی تواند او را نگه دارد. تنها یک قوه می تواند انسان را نجات دهد. آن قوه چیست؟

برای معلوم شدن این نکته داستان تکان دهنده ای را عرض می کنیم:

۲۲- داستان رویای وحشتناک رستاخیز

در کتاب مستدرک الوسائل، حاجی نوری (علیه الرحمه) از یکی از مشایخ بزرگ نقل می کند که ایشان فرموده در قریهٔ ما مسجدی است بنام که متولی آن بنام «محمد بن ابی اذینه» است. این جناب شیخ متولی مسجد و مدرس آن مکان هم بود هر روز در وقت معین به مسجد می آمد و همانجا نیز درس می داده است. یکروز هرچه منتظر شدند شیخ نیامد دنبالش فرستادند و احوالش را گرفتند گفتند شیخ بستری شده است همه برخاستند به عیادتش رفتند. دیدند شیخ در رختخواب افتاده و قطیفه ای سرتا پایش را پوشانده است و ناله می کند و فریاد می زند سوختم سوختم. احوالش را پرسیدند گفت سرتا پایم می سوزد مگر را نمائیم. پرسیدند چطور شده سوخته؟ گفت شب گذشته خوابیده بودم در عالم رویا دیدم قیامت

۳۴

برپا شده و روز رستاخیز می باشد از اینرو جهنّم را آورده و جسر (صراط) را روی آن گذاشتند تا مردم
از روی آن رد شوند و من هم از کسانی بودم که می بایستی ردّ شوم.
در ابتدا حرکت کردنم خوب بود امّا هرچه بیشتر می رفتم سخت تر می شد زیر پایم باریکتر می شد می لرزیدم
و کم کم خیلی باریک شد زیر پایم آتش بسیاری شعله ور بود و زیر پایم موج می زد. یک پایم می خواست
بیفتد با پای دیگر خودم را نگه می داشتم بالاخره کار بجایی رسید که افتادم.
شرارهٔ آتش سیاه مرا رو به پائین کشانید دیگر نمی توانستم چیزی ببینم حیرت مرا فرا گرفته چه کنم؟
هرچه دست و پا می زدم بجایی نرسیدم، فریادرسی نیست ... ناگاه بدلم افتاد مگر نه علی (ع) فریادرس
مظلومان است. علاقه و محبت مولا علی (ع) کار خودش را کرد و فریاد زدم. یا علی (ع)!
تا این جمله را بر دل و بر زبانم راندم، نور علی بن ابیطالب (ع) را بالای سر خود احساس کردم. سرم را
بالا گرفتم دیدم آقا علی (ع) روی صراط ایستاده اند به من فرمود دستت را بمن بده. دست دراز
کردم و آن مولا دستش را آورد آتش کنار رفت و وی مرا از جاذبهٔ آتش گرفت و بالا آورد و دست
روی رانهایم کشید. وحشتناک از خواب بیدار شدم تمام بدنم می سوخت جز همانجائیکه امیرمؤمنان (ع)
علی (ع) دست کشیده بودند.
آن شیخ وقتی به اینجا رسید قطیفه را عقب زد فقط قسمتهایی از رانش سالم بود و بقیه بدنش همه تاول
زده بود و سه ماه معالجه می کرد تا خوب شد و هر وقت در مجلس از او سئوال می کردند و شرح ماجرا را
می گفت از هول تب می کرد.
این نمونه ای از آتش فرداست که نشانش دادند در خواب. هرکس افتاد دیگر چاره ای ندارد مگر اینکه قوّه
ولایت بفریادش برسد. قوّهٔ ولایت امام علی (ع)

و امید و دلخوشی ما شیعیان به این است که علی (ع) فرموده اند من در صراط حاضر می باشم و مطابق روایت رسیده در دو طرف صراط حضرت محمد (ص) و علی (ع) ایستاده اند و از آنان که سزاوار شفاعت می باشند شفاعت می کنند انشاءالله »

« چه غم دیوار امت را که باشد چون تو پشتیبان
چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان »

۲۳ـ مشقت رد شدن از پل صراط

اگر کسی می خواهد فردای قیامت بر روی صراط لنگ نشود باید ببیند در مقام اعتقاد و عمل چگونه است اگر در انجام واجبات و ترک محرمات و مکروهات مسامحه ندارد در این صورت فردای قیامت مشکلی ندارد ولی اگر در این دنیا تنبلی و غفلت دارد در صراط نیز افتان و خیزان خواهد بود.

محققین فرموده اند که کسی نیست از صراط بگذرد مگر اینکه افتادنی دارد. در جلد سوم بحار الانوار مرویست که هیچ کس از اولین و آخرین، بدون مشقت از صراط رد نمی شود مگر خاتم انبیاء محمد (ص) و اهل بیت طاهرین). خود رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود که یا علی (ع) هیچکس از صراط بدون زحمت نمی گذرد مگر من و تو و فرزندانت. این ۱۴ نور پاک هستند که بدون افتادن رد می شوند ولی بقیه خلائق بدون افتادن نیستند. کیست کسی که از اول تکلیف تا آخر عمرش بر صراط مستقیم دیانت باشد و روزی برای او نگذرد که لغزشی انجام نداده است؟ چه بسا کسانی که صبح را به شب می رسانند در حالیکه در راه هوای نفس قدم برداشته اند و خودشان هم متوجه نیستند. تشخیص طریق شرع از مو باریکتر است و عمل صحیح به آن از شمشیر برنده و تیزتر است.

۴۹

۲۴ـ رنگ آتش دوزخ پس از سه هزار سال دمیدن

ابوبصیر گوید خدمت امام صادق (ع) رسیدم عرض کردم آقا دلم قساوت پیدا کرده است. حضرت فرمود: روزی جبرئیل بر رسول اکرم (ص) نازل شد، همیشه بشاش و متبسم بود ولی امروز عبوس، محزون و گرفته بود و آثار اندوه از چهره اش آشکار بود.
رسول اکرم (ص) به او فرمود این چه حزنی است که امروز داری؟ عرض کرد یا رسول الله (ص) منافخ جهنم امروز تمام شد.
حضرت فرمود منافخ چیست؟ عرض کرد به امر پروردگار جهنم را هزار سال دمیدند تا سفید شد، هزار سال دمیدند تا سرخ شد، هزار سال دیگر دمیدند تا سیاه شد و حالا فارغ شدند، و من از هول آتش اندوهناکم.
پیامبر گریان شد. ملکی نازل شد عرض کرد خداوند وعده داده است شما را از هر گناهی که موجب آتش شود، نگهدارد.

۲۵ـ مالک دوزخ، ملک عبوس

رسول اکرم (ص) فرمودند: در شب معراج به ملک مهیبی رسیدم، سلام کردم ولی تبسم نکرد. از جبرئیل پرسیدم که او کیست؟ گفت مالک جهنم است و اگر بروی کسی تبسم می کرد بروی شما تبسم می کرد از وقتی که خدا او را آفریده است عبوس است. رسول اکرم (ص) در ادامه فرمودند: گفتم به او بگوید تا روپوش از روی جهنم بردارد عرض کرد طاقت ندارید. گفتم نشانم بدهد. جبرئیل به او گفت اینک پیامبر آخرالزمان می خواهد دوزخ را ببیند. گوشه ای از آنرا عقب زد که مرا مدهوش گردانید.
پیامبر فرمود صدای عظیمی بگوش من رسید پرسیدم این صدا چیست؟ عرض کرد سنگی از لب چاهی در جهنم افتاده هفتاد سال در راه بود و اینک بقعر دوزخ رسید... از آن به بعد رسول خدا (ص)، تا آخر عمر شریفشان خندان دیده نشدند.

۲۶ـ تأثیر یک آیه در مورد درهای جهنم بر یک زن

روایت است که روزی زنی از اشراف و اعیان به مسجد النبی (ص) آمد و پشت سر پیامبر اکرم (ص) بنماز ایستاد. رسول

اکرم (ص) در نماز این آیات شریف را تلاوت فرمود که «دوزخ وعده گاه همهٔ آنانست (کفار و منافقین) برای آنها هفت در[illegible]»
این زن تاکنون از این صحبتها نشنیده بود منقلب شد و صیحه ای زد و از حال رفت بعد که بحال آمد عرض کرد یا رسول الله (ص)
این هفت در جهنم که فرمودید مرا بفکر انداخت و منقلب کرد حال از مال دنیا هفت کنیز دارم آنها را در راه خدا می دهم تا خداوند
مرا از عذاب دوزخ برهاند.

۴۱

جبرئیل نازل شد و عرض کرد یا رسول الله (ص) به او بشارت دهید که خداوند هفت در جهنم را بر روی او بست. ٪ ۷۱،۱۱،۱۸